رسانه KHAMENEI.IR برای نخستین بار منتشر کرد؛ مسیر پیشرفت صنعت موشکی ایران به روایت شهید حاجی‌زاده

بزرگترین حامی صنعت موشکی ایران

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا در سومین پیام تلویزیونی در پی تهاجم رژیم صهیونی با تبریک به ملّت بزرگ ایران برای پیروزی در این نبرد تأکید کردند: رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادّعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمده و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیله آنها خطور نمی‌کرد و اتّفاق افتاد. خدا را سپاس می‌گزاریم که به نیروهای مسلّح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چند لایه پیشرفته آن‌ها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آن‌ها را زیر فشار موشک‌های خودشان و با تهاجم قوی سلاح پیشرفته خودشان با خاک یکسان کنند! این یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است.

به همین مناسبت رسانه KHAMENEI.IR در پرونده «روایت فتح» که به تحلیل کلان پیروزی جمهوری اسلامی ایران در نبرد تحمیلی ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی می‌پردازد، اقدام به انتشار گفت‌وگویی منتشرنشده با سردار شهید حاجی‌زاده، فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پیرامون نقش فرماندهی کل قوا در رشد و پیشرفت قدرت موشکی ایران، کرده است.

متن این گفت‌وگو که در سال ۱۴۰۰ به همّت نمایندگی مشهد دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اخذ شده، به شرح زیر است:

برای شروع گفت‌وگو و به عنوان اولین سؤال، لطفاً تشریح بفرمایید که فرماندهی کل قوا در جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟

فرماندهی کل قوا در حوزه نظامی و دفاعی نظام جمهوری اسلامی واقعاً ابعاد گسترده‌ای دارد. حالا در این سال‌ها شاید به حوزه‌های تسلیحاتی و ساخت سلاح یک اشاره محدودی شده باشد، ولی به نظر من ابعاد گسترده‌ای دارد و این‌ها قابل شمارش است. یعنی این‌طور نیست که مثلاً یک قضاوت کلی انسان بخواهد بکند، بلکه این‌ها همه سند دارد.

تأثیر حضور حضرت آقا در هشت سال دفاع مقدس، تا آن جایی که امام راحل اجازه دادند، قابل توجه بود، چون مدت‌های طولانی ایشان اجازه پیدا نکردند. نقش ایشان در امور نظامی در سه دهه اخیر، بعد از رحلت امام تعیین‌کننده بود. یکی از علت‌های آن شاید بحث دشمن‌شناسی حضرت آقا و شمّ اطلاعاتی ایشان بود. ما در سه دهه اخیر از توطئه‌های بزرگی جستیم و از تله‌هایی که دشمن سر راه نظام ما قرار داده بود، توانستیم به سلامت عبور کنیم. در تک‌تک این موارد، نقش مقام معظّم رهبری و تدابیر ایشان کاملاً روشن است.

نقش ایشان در مدیریت بحران‌ها و عبور کشور از تله‌های امنیتی و نظامی چگونه بوده؟ می‌توانید نمونه‌هایی ذکر کنید؟

من چند نمونه را عرض می‌کنم، مثلاً در بحث آزادسازی کویت در جنگ اول، خیلی‌ها از داخل کشور آمدند و گفتند که صدام الان دیگر نقش خالد بن ولید را دارد و ما الان باید بیاییم کنار صدام قرار بگیریم و با آمریکا بجنگیم. خیلی از افرادی که آن روز مسئولیت داشتند، آمدند این حرف را زدند. تنها کسی که تشخیص داد این تله است و دو طرف این جبهه گروه‌های باطل هستند، یعنی یک طرف آمریکا و اروپا و کشورهای غربی، یک طرف هم صدام، حضرت آقا بودند که اجازه ندادند کشور و نیروهای مسلح در این تله گرفتار شوند.

یاد جنگ افغانستان و در این ۳۰ سال اخیر از این موارد زیاد داشتیم که ورود به این عرصه‌ها یک تله بود برای کشور. این به خاطر آن شمّ اطلاعاتی و بینش و فهم حضرت آقا به عنوان فرمانده کل قواست، چون به هر حال مدیریت ایشان فقط مدیریت عمومی نیست، بلکه باید تسلط داشته باشند، تخصص داشته باشند و در همه ابعاد ما دیدیم که واقعاً این را دارند. و در جمع فرماندهان مسلط و عالی‌رتبه، خوب وارد بحث می‌شوند و منطقی که دارند نشان می‌دهد که مسلط هستند و در خیلی از جاها کشور را نجات داده‌اند.

شما نگاه بکنید الان در اطراف ما، در منطقه غرب آسیا، کشورها واقعاً فشل شده‌اند، حکومت‌ها تضعیف شده، ارتش‌ها از بین رفته، ناامنی‌ها زیاد شده، به هم ریختگی فراوان شده است. اینها طرح‌های آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و غربی‌ها بوده که این منطقه باید به هم بریزد. هدف اصلی‌شان هم ایران بوده است. خب می‌بینید که الان وضعیت عراق چگونه شده، وضعیت افغانستان را همین روزها ببینید، وضعیت سوریه را ببینید، هرچند ایران ورود کرد، کمک کرد، ولی بالاخره آن جا ارتش را تضعیف کردند، کشور را منهدم کردند.

در بعضی جاها که باید ورود می‌کردیم، بازعده‌ای می‌گفتند نه، نباید ورود بکنیم. مثلاً موقعی که گروه‌های تکفیری و داعش در سوریه و عراق ورود کردند و آن جا را اشغال کردند، خیلی‌ها می‌گفتند به ما چه ربطی دارد، ما برای چه باید خودمان را درگیر بکنیم. این جا اتفاقاً به صورت قاطع، مقام معظّم رهبری دستور دادند که نه، باید ورود بکنیم و برویم. امروز که از این قضیه سال‌ها می‌گذرد، قضاوت کردن خیلی راحت شده است. امروز راجع به جنگ کویت، بحث افغانستان و تله‌هایی که دشمن برای ما درست کرده بود، خیلی راحت می‌توان حرف زد. ولی ببینید آن روز حضرت آقا این تصمیمات را گرفتند، تصمیم گرفتند که باید در حوزه سوریه ورود بکنیم، چون اگر آن جا نمی‌جنگیدیم، باید در تهران می‌جنگیدیم، در کرمانشاه باید می‌جنگیدیم، در همدان باید می‌جنگیدیم. یعنی یک جا باید ورود می‌کردیم، یک جا نباید ورود می‌کردیم. راهبری و مدیریت مقام معظّم رهبری بود که این اتفاق افتاد. به نظر من این یک مسئله خیلی مهمی است که خودش جای بحث دارد.

حوزه دوم این است که الان نیروهای مسلح ما، نیروهای نظامی ما ـ هم ارتشی، هم سپاهی، هم بسیجی ـ یک روحیه سلحشوری و شجاعت و ظلم‌ستیزی دارند. اینکه در مقابل فلان ارتش ممکن است شکست بخورند، اصلاً چنین احساسی ندارند. احساس قدرت می‌کنند، قوی هستند. این‌ها ناشی از تربیتی است که این‌ها در دوران بعد از پیروزی انقلاب و به‌ویژه در این سه دهه اخیر، پیدا کردند.

تربیت روحی و اعتقادی نیروهای مسلح در این سال‌ها چه نسبتی با رهبر انقلاب داشته و چگونه انجام شده؟

ما در زمان هشت سال جنگ، روبه‌رویمان صدام بود. ولی بعد از آن بحث آمریکا مطرح شد، تهدیدهای غربی‌ها بود، خب یک نگرانی‌هایی بود که بالاخره ما که قدرتمان به اندازه‌ی آنها نیست. ولی الان رزمندگان ما، نیروهای ما، با شجاعت در کلیه سطوح احساس این را ندارند که ممکن است ما در مقابل کسی کم بیاوریم. امروز همه اقرار می‌کنند که نیروهای مسلح ایران، سپاه ایران، ارتش ایران، مجموعاً قوی‌اند.

این تربیت چطور اتفاق افتاده؟ در طی این سه دهه اخیر، کلیه برنامه‌های مربوط به نیروهای مسلح، برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های تربیتی، مراسماتی که داریم، جلساتی که به صورت هفتگی و مستمر مقام معظّم رهبری با فرماندهان دارند، یعنی این جلسات ثابت است، ممکن است اضافه بشود ولی کمتر نمی‌شود، یعنی حداقل یک جلسه در هفته؛ اصلاً یک روز را اختصاص دادند به نظامیان. این کارهای مستمر حضرت آقا، این تربیت را در نیروها به وجود آورده، این آمادگی را به وجود آورده است. این‌ها دیگر بحث سلاح و ابزار و این‌ها نیست، اینها جنبه روحی دارد، جنبه اعتقادی دارد، جنبه تربیتی دارد. این هم یک جنبه از کارهایی بوده که توسط حضرت آقا انجام شده و الان مطالبی که ایشان در این حوزه دارند، می‌توان کتاب‌ها از آن چاپ کرد و مطالب پرمغز و عمیقی است.

نقش رهبر انقلاب در مسیر خودکفایی و بومی‌سازی تسلیحات چه بوده و چه تصمیمات سرنوشت‌سازی اتخاذ شده؟

حضرت آقا در حوزه تسلیحاتی در این سال‌های بعد از جنگ ترغیب کردند به خودکفایی، به بومی‌سازی، به روی پای خود ایستادن. ولی اینکه چه مسیری را برویم، چه سلاحی را بومی بکنیم، چگونه این کار را بکنیم، این یک نکته مهمی است. دو تا کار اتفاق افتاده: یکی اینکه بگوییم ما می‌توانیم و به سمت توانمندی تسلیحاتی برویم، و دیگر اینکه جهت را هم درست انتخاب کنید.

در این سی سال اخیر، حالا از سال ۱۳۶۳ شاید شروع شد، به‌ویژه در حوزه موشکی، می‌بینیم که در سال‌های مختلف این تأکیدات وجود دارد. اگر می‌رفتیم سراغ مسیری که دنیا رفته، دنیا عمدتاً شرق و غرب دنیا برای سلاح‌تهاجمی دنبال هواپیما رفته و الان به هواپیماهای مثلاً نسل ۵ رسیده است و ما احتمالاً در نسل ۳ همچنان در حال تلاش و تقلا بودیم که جلو برویم. یعنی چه؟ یعنی هر کاری می‌کردیم، پشت سر آن هابودیم، پنجاه سال فاصله داشتیم. ما آمدیم به جای اینکه پشت سر دشمن حرکت کنیم و هیچ‌وقت هم به آن نرسیم، مسیری را انتخاب کردیم که الان در مقابلشان درآمدیم و درست است که در این سال‌ها تهدیدات را دیدیم، تهدید محور دنبال کردیم اما امکانی را پیگیری کردیم که بشود تهدیدات را پاسخ داد. در بسیاری اوقات، حداقل در این دهه اخیر، هدف محور حرکت کردیم، یعنی دنبال مسائلی بودیم، دنبال تسلیحاتی بودیم، دنبال امکاناتی بودیم که از یک نقطه‌ای بتوانیم موفقیتی به دست بیاوریم که تمام توانمندی‌های دشمن را ناکارآمد بکند. نقش مدیریت مقام معظّم رهبری در این حوزه واقعاً دقیق و اثرش، اثر بی‌بدیلی بوده است.

در بعضی از جاها می‌بینیم تصمیماتی که رهبر انقلاب می‌گیرند، ورودی که می‌کنند، شاید بگویم مسیر تاریخ نظامی ما را تغییر می‌دهند. ریل‌گذاری‌ای که می‌کنند خیلی تأثیرگذار است. من به چند نمونه اشاره می‌کنم: در سال ۱۳۶۳ تعداد محدودی موشک به ما دادند. نظام آمد تصمیم گرفت از این تعداد محدود، دو فروندش را بگذارند برای مهندسی معکوس. مثلاً ۳۰ فروند موشک از لیبی گرفتیم که دو فروندش را گذاشتیم برای ساخت و تولید. این طی دو سال اتفاق افتاد، یعنی هیچ‌وقت موجودی ما از هفت، هشت فروند تجاوز نکرد. یعنی اگر موشک می‌آمد چون جنگ بود و درگیر بودیم، می‌زدیم. حالا شما از هفت، هشت فروند، دو تایش را هم جدا کنی، ببری برای مهندسی معکوس! این تصمیم خیلی سختی بود.

من یادم هست در یک جلسه‌ای خود حضرت آقا آن زمان رئیس جمهور بودند ـ آمدند یک محلی بود که تحقیقات را بچه‌های وزارت سپاه آن روز آن جا شروع کرده بودند و حضرت آقا بازدیدی داشتند. آن موقع یک جلسه‌ای داشتیم. آقا نگران بودند که چرا اینها را این قدر وسواس به خرج می‌دهید، زود باز نمی‌کنید، دمونتاژ نمی‌کنید، چرا شروع نمی‌کنید، چرا نگران هستید. حتی به شوخی هم فرمودند که این‌ها را اگر زود تر باز نکنید، ممکن است بیایند ببرند، این‌ها را هم شلیک کنند و دست‌تان خالی بشود! حضرت آقا اهمیت تحقیق، بومی‌سازی و تولید داخل را خیلی مهم و برجسته می‌دانستند. در همان سال‌ها، کلنگ ساخت کارخانه موشکی را حضرت آقا آن روز آمدند زدند، فیلم‌هایش هم هست. این یعنی چه؟ یعنی اهمیت دادن به این موضوع از همان دوره، از همان سال‌ها بوده است.

لذا این کار شروع شد، آن هم در دوران جنگ. ولی این یک کار طولانی، سخت و پیچیده‌ای در حوزه موشکی و خیلی از بخش‌ها بود چون زیرساخت‌های اولیه را نداشتیم. الان ممکن است تصمیم بگیریم چیزی را بسازیم، خب اجزائش تولید شده، تهیه می‌کنیم و یک سیستم را طراحی می‌کنیم. آن موقع، زیرمجموعه‌ها اساساً تولید نمی‌شد، اصلاً فناوری‌اش در کشور نبود. ما برای این که به فناوری موشک برسیم، باید چند فناوری پیش‌نیاز را طی می‌کردیم تا به آن برسیم.

در اوایل دهه ۷۰، سال ۱۳۹۱ میلادی در هنگام فروپاشی شوروی، یک باره یک وضعیتی پیش آمد که پیشنهادات خیلی خوبی به ایران شد. وضعیت اقتصادی شوروی به هم ریخته بود، فروپاشی اتفاق افتاده بود و این کشورهایی که بعد از فروپاشی به وجود آمده بودند، مشکل مالی داشتند. آن‌ها آمدند گفتند که ما موشک به شما می‌فروشیم، سکوی پرتاب می‌فروشیم. ما موشکی را که از کره شمالی حدود دو و نیم میلیون دلار آن هاگفتند دانه‌ای ده هزار دلار به شما می‌دهیم. سکوی پرتابی که حدود دو و نیم، سه میلیون دلار شاید آن روز از کره‌ای‌ها می‌خریدیم، که کیفیتش هم با روس‌ها قابل مقایسه نبود، آنها گفتند با صد هزار دلار به شما می‌دهیم. خب، در نیروهای مسلح، در مجموعه موشکی، در مجموعه نیروی هوایی، هیچ کس نه تنها با این خرید مخالفت نکرد، بلکه همه می‌گفتند عالی است، سریع بروید بخرید. در جمهوری اسلامی، یک نفر مخالفت کرد، آن هم حضرت آقا بود. خیلی از مسئولین حتی آمدند ورود کردند و گفتند که برویم حضرت آقا را توجیه و قانع کنیم. اما حضرت آقا مخالفت کردند، تا جایی که عصبانی شدند و گفتند برای چه دنبال این موضوع هستید، چرا پیگیری می‌کنید، کسی این موضوع را پیگیری نکند. چرا؟ چون ما از سال ۱۳۶۳ شروع کرده بودیم به ساخت موشک. سال ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، یواش یواش داشت این کار به بار می‌نشست. حالا آن روزهایی که داشت نتیجه می‌داد، ما یک باره می‌خواستیم چه کار کنیم؟ برویم تعدادی موشک آماده بخریم بیاوریم. نتیجه‌اش چه می‌شد؟ نتیجه‌اش این می‌شد که کار متوقف می‌شد. حضرت آقا به خاطر این که این کار متوقف نشود، گفتند خرید ممنوع! حتی ایشان عصبانی شدند، به سر بعضی از مسئولین دادزدند، گفتند برای چه این را دنبال می‌کنید، نکنید این کار را. مخالفت کردند.

آن تصمیم سخت در مخالفت با خرید انبوه موشک در سال‌های ابتدایی چه تأثیری بر مسیر صنعت موشکی ایران گذاشت؟

شاید آن روز، مثلاً ما که بیست و نه یا سی سال داشتیم، امثال شهید مقدم، مثلاً می‌گفتیم ای کاش آقا موافقت می‌کردند، ای کاش می‌توانستیم بخریم، چرا نخریدیم. آن روز، خود ما ها متوجه نبودیم که این تدبیر چقدر اثرگذار است و اگر آن روز ما انتخاب مسیرمان درست نبود و تعیین مسیرمان توسط حضرت آقا صورت نمی‌گرفت، مطمئن باشید مسیر رسیدن به موشک‌های زمین به زمین، موشک‌های دوربردتر، یا اصلاً طی نمی‌شد یا خیلی عقب افتادگی داشتیم. چون بالاخره وقتی می‌خریدید، مراحل بعد ممکن بود چیزهای دیگر هم به تو بدهند، ولی بعد دیگر اصلاً مسیر می‌شد مسیر خرید. مسیر خرید ممکن بود تا یک حدی باز باشد، ولی بعد از یک مدت بسته می‌شد، دیگر نمی‌توانستی بخری یا مشخصات جدید، برد جدید، دیگر نمی‌توانستی بخری. خب، این خیلی تعیین‌کننده بود، این مسیری که حضرت آقا ریل‌گذاری کردند.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای داشته باشیم میان وضعیت نظامی کشور در پایان دفاع مقدس و امروز، چه تفاوت‌هایی دیده می‌شود؟

حالا من به شما عرض کنم، ما زمانی می‌توانیم یک برآورد دقیق داشته باشیم که چه اتفاقی افتاده، چقدر پیشرفت کرده‌ایم، که بتوانیم مقایسه بکنیم. ببینید، آخر جنگ و قبول قطعنامه را نگاه کنیم، ببینیم کجا بودیم، و امروز که رسیدیم به سال ۱۴۰۰، ببینیم کجاییم. نگاه بکنیم که در این ۳۲ سال اخیر، چقدر پیشرفت کرده‌ایم. سپاه در جنگ که وارد شده بود، چیزی نداشت، ولی آخر جنگ یک سری تجهیزات غنیمتی داشت. حداکثر توپ و تانک و خمپاره و سلاح‌های سبک و نیمه سنگین بود، سلاحی نداشتیم. ارتش هم که ۱۰ سال از انقلاب می‌گذشت، هشت سالش را درگیر جنگ بود، هرچه داشت یا آسیب دیده یا کاهش پیدا کرده بود و مهم‌تر از همه، یک فاصله ۱۰ ساله از فناوری روز دنیا پیدا کرده بودیم. یعنی در این سال‌ها، ما تحریم بودیم به ما چیزی نمی‌دادند.

آن کشورهایی که می‌ساختند، خب پیشرفت کرده بودند، آن‌هایی هم که هماهنگ با غرب و شرق بودند، سلاح می‌گرفتند از آن‌ها. عراق تا روز آخر جنگ سلاح گرفت، سلاح پیشرفته‌ای هم گرفت، ولی ما نتوانستیم بگیریم، به ما ندادند، ما تحریم بودیم. این تحریم بودن، ما را عقب انداخت. پایان جنگ وضعیت نظامی ما، توان ما، تسلیحات ما، از یک عقب افتادگی برخوردار بود. ما واقعاً وضعیت خوبی نداشتیم، نه ارتش، نه سپاه. امکاناتی نداشتیم، یک مشت امکانات خارجی غربی بود، یک سری هم شرقی، غنیمتی و غیره بود، که واقعاً فاصله داشتند از توانمندی روز.

خب، وقتی پایان دوران دفاع مقدس را در نظر بگیرید، می‌بینید کجا بودیم. حالا امروز ببینید کجاییم. در این سه دهه اخیر، تحریم‌های تسلیحاتی‌مان سخت‌تر شده، آسان که نشد، بلکه رفته رفته از دوران جنگ هم سخت‌گیرتر شده. کمکی هم به ما نکردند. تحریم اقتصادی هم بودیم، حالا کم و زیاد شده، ولی خب بالاخره این تحریم‌های اقتصادی، مشکلات و فشار اقتصادی را هم داشتیم، یعنی فشار می‌آوردند، قیمت نفت را پایین می‌آوردند، طبیعتاً نیروهای مسلح هم آن قدری که پول نیاز داشتند، هیچ‌وقت نمی‌توانستند بگیرند. همیشه در مشکل بودند، یعنی هم از نظر بودجه، هم از مسائل دیگر، الی ماشاءالله.

در شرایط سخت تحریمی، این پیشرفت‌های بزرگ چطور ممکن شد؟ و رهبر انقلاب چگونه در این زمینه نقش راهبردی ایفا کردند؟

حالا ببینید، امروز به کجا رسیدیم. امروز نگاه کنید، در حوزه تسلیحاتی، در حوزه سامانه‌های موشکی زمین به زمین، پهپادها، رادارها، جنگ الکترونیک، پدافند و بسیاری از بخش‌های دیگر، چه زمینی، چه دریایی، الان ما در طراز جهانی مطرحیم، نه منطقه‌ای. هدف‌گذاری‌ها و اسناد بالادستی می‌گویند ما باید در حوزه‌های اقتصادی جزو کشورهای طراز اول منطقه، یا یکی از سه کشور اول باشیم؛ ولی در حوزه نظامی، بحث منطقه‌ای نیست، بلکه در طراز جهانی هستیم.

اگر در دنیا بیست کشور هستند که رادارهای کیفی، خوب و به روز می‌سازند ـ حالا ممکن است طراز هایشان کمی تفاوت داشته باشد ـ ولی ما حتماً جزو آن بیست کشور هستیم. در حوزه پهپادی و هواپیمای بدون سرنشین، چند کشور در دنیا کار می‌کنند؟ ما حتماً جزو پنج کشور برتر هستیم. کشورهایی که بتوانند سامانه‌های پدافندی به روز بسازند، ما الان جزو آن کشورها هستیم. یعنی یا در این سال‌های اخیر در حوزه پهپادی، خب آثارش را داریم می‌بینیم دیگر، یک قدرتی متولد شده، یک اتفاقی افتاده است. شما ببینید الان بعد از جنگ قره‌باغ، جنگ ارمنستان و آذربایجان، مثلاً یک دفعه بعضی از کشورها بیدار شدند، نقش پهپادها را می‌بینند که خب خیلی مهم است، اثرگذار است. یک دانه پهپاد مثلاً سی هزار دلاری می‌زنی، یک سایت اس ۳۰۰، سیصد میلیون دلاری را نابود می‌کند. یک تانک نمی‌دانم چند میلیون دلاری یا یک کاتیوشای سنگر نفرات با پهپاد نابود می‌شود. خب امروز این‌ها متوجه می‌شوند.

از سالیان قبل حضرت آقا روی این تأکید داشته‌اند، در نیروها هم انگیزه بوده، علاقه بوده، دنبال شده و الان ما در طراز جهانی هستیم. چیزی کم نداریم، در بعضی از حوزه‌ها که جلو تریم. ابتکار، ایرانی است، کار ایرانی است و اصلاً متفاوت است، یعنی جنبه‌ی اختراعی دارد

به‌طور کلی اگر بخواهید نقش فرماندهی حضرت آقا را در اقتدار امروز ایران جمع‌بندی کنید، چه می‌گویید؟

من اعتقادم این است که نقش مقام معظّم رهبری در حوزه‌های نظامی و دفاعی بسیار زیاد است. حالا من تنها به سه بخش آن اشاره کردم، ولی واقعاً خیلی بیشتر از این‌هاست و باید موشکافی بشود، مطالعه بشود، بررسی بشود. ما امروز اگر کشور مقتدری داریم، یک قدرت منطقه‌ای هستیم، که حتی خود آمریکایی‌ها و غربی‌ها هم می‌گویند، مثلاً می‌گویند ایران با پهپادهایش برتری هوایی ما را بعد از ۷۵ سال از ما گرفت. این حرف کوچک نیست، یک فرمانده نظامی ارتش آمریکا این را می‌گوید.

یا درباره زدن عین‌الاسد، می‌گویند ایران هر نقطه‌ای را که تصمیم گرفت، دقیقاً همان نقطه را زد. یا در زدن داعش، خب بالاخره این گروه‌های تروریستی یک ارتش منظّم نبودند که بشود جبهه‌ای عمل کرد. این‌ها عده‌ای بودند که در خانه‌ها زندگی می‌کردند، زن و بچه هم ممکن است کنارشان باشد. ما باید آن نقطه را که صرفاً مربوط به داعشی‌ها بود، شناسایی و مشخص می‌کردیم و می‌زدیم. آن هم جلوی دیدگان همه جهان. یعنی جایی که هواپیمای آمریکایی آنجا پرواز می‌کرد، اروپایی‌ها بودند، سوریه بود، ترکیه بود. یعنی عملیات در جایی نبود که بگوییم رفتیم داخل شکاف کوهی، کاری کردیم و گفتیم این کار را کردیم، بلکه در معرض دید همه دنیا بود و همه قضاوت می‌کردند. خب، همه هم تحسین کردند و گفتند کارتان عالی بود.

امروز، این امنیتی که در کشور هست، نتیجه‌اش امنیت مردم شده است. الان هم در نقاط مختلف منطقه، مشکل ناامنی هست، یعنی واقعاً به صورت قرضی نمی‌توان امنیت تأمین کرد. همین حالا، وقتی تعداد نیروهای آمریکایی در منطقه کم می‌شوند، کشورهای عربی ابراز نگرانی می‌کنند و می‌گویند نگرانیم آمریکا برود. چرا؟ چون قدرتشان مال خودشان نیست، قدرت قرضی و آمریکایی دارند.

این‌ها را ما مدیون هستیم و ان شاءالله با این ریل‌گذاری، هدایت و رهبری مقام معظّم رهبری، حتماً قدرت ما روزافزون افزایش پیدا خواهد کرد. و اگر این نسخه‌هایی که صادر شده ـ من در حوزه نظامی‌اش را توضیح دادم ـ در حوزه اقتصادی هم هست، برای فرهنگ هم هست، برای امور مختلف هست، برای سبک زندگی هم هست، خلاصه برای همه چیز هست، اگر این‌ها را مسئولین مختلف، مردم و کسانی که بالاخره مسئولیتی برعهده دارند، عمل کنند، این کشور ان شاءالله گلستان خواهد شد.

در نیروی هوافضا چقدر از جامعه جوانان و نخبگان علمی استفاده شده است و الان این دستاوردهایی که داریم چقدر مربوط به حضور جوانان است؟

بله، ببینید الان در نیروی هوافضا این موفقیت‌ها حاصل شده و به خاطر این عملیات‌هایی که انجام شده، تقریباً همه مردم قبول دارند. حالا ما هم هر موقع صحبت می‌کنیم، می‌گوییم صنعت موشکی از سال ۶۳ شروع شده، همه شاید فکر کنند که خب ۳۷ سال از این قضیه دارد می‌گذرد، یک مشت پیرمرد از آن موقع آمدند، انگیزه داشتند، این کارها را کردند. من الان دارم عرض می‌کنم متوسط سن نیروی هوافضا ۳۳ سال است. متوسط سن فرماندهان ما از سطوح فرمانده گردانی، فرمانده پایگاه تا فرمانده مناطق، بین ۳۵ تا ۴۰ سال است.

اتفاقاً در بخش محققین ما، کسانی که کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهند، کارهای تولیدی دارند انجام می‌دهند، اینها همه جوانند، همه سن‌ها پایین‌اند. آیا ما این کارها را فقط توسط همین جوان‌های داخل نیروی هوافضا به نتیجه رساندیم؟ خیر، این توانمندی و قدرت توسط کل کشور اتفاق افتاده است. ما الان با همه دانشگاه‌ها ارتباط داریم، آن چیزی که حضرت آقا بارها فرمودند که اگر ما بخواهیم تحول در صنعت اتفاق بیفتد باید ارتباط بین صنعت و دانشگاه برقرار بشود، این ارتباط ما الان برقرار است.

خیلی از جوان‌هایی که مستعد بودند را کمک کردیم، تشویق کردیم، این‌ها رفتند شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد کردند و آمدند طرف قرارداد شدند، در عرصه‌های مختلف، هم با ما، هم با دیگران دارند کار می‌کنند. ببینید این کارها عمدتاً توسط همین جوان‌ها اتفاق افتاده است. به نظر من راه حل برون‌رفت از مشکلات همین جوان‌ها امکان‌پذیر است؛ منتها با استفاده از تجربیات آنهایی که سن و سال دارند. موقعی که می‌گوییم جوان، منظورمان این نیست که این جوان را، یک جوان سی ساله را، به عنوان وزیر بگذارید، منظورمان این نیست. ولی بالاخره همه مسئولیت‌ها که در حد وزارت و رئیس جمهور نیست. شما ببینید ما چقدر مدیرکل داریم، فرماندار داریم، بخشدار داریم، در کارخانجات، در کف صنعت کشور، در دانشگاه‌ها، بروبچه‌ها می‌توانند بیایند کار بکنند و ما تجربه بسیار موفقی در این زمینه داریم.

این کارهایی که داریم می‌کنیم، شما با تعداد چند صد نفر یا حداکثر دو هزار نفر که نمی‌توانید این کارهای وسیع را انجام بدهید. خب طبیعتاً این جوان‌ها هستند که دارند این کارها را می‌کنند. به اعتقاد من نه تنها در حوزه نظامی و تسلیحاتی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی و در بقیه بخش‌ها هم راه برون‌رفت، اعتماد به این جوان‌هاست، میدان دادن به آن‌هاست که بیایند این مسائل را حل کنند و ما هم استفاده حداکثری کردیم.

از جلسات و ملاقات با رهبر انقلاب اسلامی چه خاطرات دیگری دارید؟

چند مورد را عرض کردم. البته این طور نیست که مثلاً در همه امور، حضرت آقا بخواهند ورود بکنند و مثلاً آن کاری که دارد انجام می‌شود، یک نظر دیگری بدهند. یک مواقع زیادی بوده که ما خدمتشان رسیدیم، گفته‌اند با همین دست فرمان بروید جلو، همین دست فرمانی که دارید می‌روید خوب است. مواردی بوده، من سؤال کردم از حضرت آقا و گفتم آقا از هوافضا راضی هستید؟ آقا فرمودند که از کل سپاه من راضی‌ام، البته جاهای مختلف فرق دارد اما از نیروی هوافضا خیلی راضی‌ام. این‌ها خیلی شیرین بوده، خاطرات شیرینی بوده برای ما که خب بالاخره رضایت حضرت آقا را توانستیم جلب بکنیم.

حضرت آقا این طور نیستند که یک جلسه بیایند، یک صحبتی بکنند و تمام بشود. حضرت آقا با مطالعه در جلسه می‌نشینند. بارها شده که ما در جلسات رفتیم و متوجه شدیم که حضرت آقا گزارش‌های قبلی را، تمام نوشته‌ها را دقیق مطالعه می‌کنند. وقتی آدم با بعضی‌ها جلسه می‌گیرد، طرف ساعتش را نگاه می‌کند، حوصله‌اش سر می‌رود و این برخورد، آدم را کسل می‌کند؛ ولی حضرت آقا دقیق مطالعه می‌کنند، گذشته را می‌دانند، تدابیرش را می‌دانند و یک روند چند ساله جلوی چشمشان هست.

اینکه بیان کردید پیشرفت نظامی امروز در نتیجه عمل به فرامین رهبری است، توصیه‌تان به سایر مسئولین چیست؟

با این تجربه‌ای که در این سال‌ها از رهنمودها، تدابیر و راهبری مقام معظّم رهبری پیدا کردیم، اعتقادم این است که اگر این نسخه‌ها، این تدابیری که حضرت آقا در حوزه‌های مختلف دارند، مسئولین جدی بگیرند این‌ها را، پیشرفت خواهند کرد؛ حتی تدابیر مربوط به گذشته. خب اعتقادم این است که هر وزیری باید بیاید، سی سال تدبیر حضرت آقا را راجع به آن وزارتخانه بگیرد، این روندها را بخواند، مطالعه بکند و بتواند از آنها استفاده بکند.

یعنی در همه بخش‌ها، آقا تدبیر دارند. این‌ها می‌تواند نقشه راه باشد. ببینید، فقط باد و دین کار درست نمی‌شود، بعضی‌ها می‌گویند ما ۲۴ ساعته، ۲۰ ساعته باید کار کنیم! معلوم نیست، شاید این ۲۰ ساعت کار، ما را از مسیر دور بکند. کار زیاد بعضی از مسئولین، خرابکاری زیاد نتیجه می‌دهد. باید دقیق، در جهت درست حرکت کنیم. مسیر باید درست باشد، ریل‌گذاری باید درست باشد، نقشه راه باید درست باشد. به نظر من این تدابیر رهبری یک سرمایه بزرگ برای ماست، این تدابیر این سه دهه را اگر همه بخش‌ها خوب استفاده کنند، فکر می‌کنم کشور، ان شاءالله نجات پیدا خواهد کرد.

از نظر شما، رمز پیشرفت و موفقیت صنعت موشکی کشور چه بوده است؟

رمز پیشرفت و موفقیت در حوزه هوافضا ـ که موشکی هم یک جزء آن است ـ اولاً به این است که به هدف‌گذاری و راهبردی که تعیین شده ـ شاید فرماندهان مختلفی هم آمده‌اند و رفته‌اند همه وفادار بوده‌اند. ما حالا در بخش‌های دیگر می‌بینیم یک مسئول می‌آید، مسئول قبلی را کاملاً تخریب می‌کند. بالاخره ده تا کار انجام داده، سه تایش بد بوده، هفت تایش درست بوده، نباید همه را تخریب کرد. ما ممکن است نقشه مسیرمان را اصلاح کرده‌ایم. حتماً مسیری که من رفتم، تفاوت‌هایی با شهید مقدم داشته، تفاوت‌هایی با سردار سلامی داشته، تفاوت‌هایی هم با فرماندهان قبلی داشته، ولی نسبت به هدف وفادار بوده‌ایم. یک حرکت جمعی بوده، همه در این کار بودند و معتقد بودند. نکته دیگری که هست، ممکن است بعضی از مدیران را داشته باشیم که واقعاً فکر خوبی دارند. من الان خودم تجربه کرده‌ام، ممکن است آشنا باشند، مسلط باشند، ولی همراه‌سازی همه مدیران خیلی ضرورت دارد. اگر همراه نشوند و ما بخواهیم فقط دستوربدهیم، دستور تا زمانی که هستی کار پیش می‌رود، بعدش کنار می‌رود. چرا ما الان نسبت به کاری که سردار مقدم انجام داده، وفاداریم؟ به خاطر اینکه شهید مقدم می‌نشست، با ما صحبت می‌کرد، ما را همراه می‌کرد، و در واقع چون مسائل را همه خوب می‌فهمیدیم، مثل شهید مقدم فکر می‌کردیم. این خیلی تعیین‌کننده است. حرکت فردی یک مسئول در اتاقِ دربسته که فقط بخواهد خودش تصمیم بگیرد معلوم نیست چه نتیجه‌ای بدهد. ممکن است یک چیزهایی را بدانی، حتی مسلط هم باشی؛ ولی باید بیایی، بنشینی، با نیروها صحبت بکنی، نظرخواهی بکنی. این تبادل نظرها، افراد را همراه می‌کند. ممکن است حالا بالاخره بیست درصد، سی درصد هم جمع‌بندی شما را قبول نداشته باشند، ولی وفادار خواهند بود به شما.